

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

آزاد ل.

۰۲ نومبر ۲۰۱۸

پایه های اعتقادات دینی ما!؟

۱

هر چه راه رفتیم دیدیم راه کج، رفتار کج
شهر ها کج، جاده کج، کوچه و بازار کج

Fb/Afghan Best

حرفها کج، مولوی کج، مسجد و ملا کج
ریش کج، سجاده کج، عمامه و دستار کج

دین و مذهب دام دنیا گشته اند در کجروی
جز جهاد و جنگ نبود حاصل این کار کج

تا به کی دولت کج، قانون کج و اهداف کج
تا به کی کشور کج و افکار کج و افزار کج

تا به کی ایمان کج، وجدان کج، احساس کج
تا به کی گردن کج و قامت کج و رخسار کج

تا به کی مقصد کج و آسیاب کج و حمال کج
دوستان! آیا بمنزل میرسد، این بار کج؟

ما همه انسانها که در سر زمین های مختلف جهان قبلاً و فعلاً زندگی داشتیم و داریم ، بدون میل داشتن به آمدن در این جهان و سهم گیری در تعیین سر نوشت خود از بدو تولد در محیط یک دین خلق شده اند (بدون استثناء) مثلاً هر که در یک فامیل عیسوی، یهودی، مسلمان و... موجودیت پیدا نموده مربوط همان دین و مذهب می باشد بدون این که خودش تعیین دین و غیر دینی بودنش را نماید همان می شود که فامیل خواسته و می خواهد؟ ما مردم که در جغرافیای به نام افغانستان زندگی داریم مسلمان زاده شدیم بدون این که میلی به آمدن این دنیا داشته و یا هم چیزی در باره معتقدات و

باورمندی های دینی خود بدانیم و یا قبول نموده باشیم؟؟

مثلاً طفلی در جامعه یهودی، عیسوی، هندو و ... تولد می یابد حتماً و باید به همان معتقدات بوده، اسم و شرایط رشد زندگی اش مطابق همان دین می باشد

شرایط عمومی جامعه ما طوری عیار گردیده که حتی قبل از این که چشم ما به دنیا باز شود از طرف والدین و اقارب مسلمان معرفی می شویم و اسم ما را یک نام عربی به توافق و اشتراک نظر خانواده و اقارب می گذارند.

بعد تولد بسم الله گویان تا آخر عمر زیر تأثیر کلچر مطلق عربی و خرافات مسلطه قبیله ئی که زنان قربانی درجه یک در این راستا می باشند نفس می کشیم. شرایط و محیط رشد، مکتب و بالاتر از آن محل کار، خلاصه همه و همه ظاهراً شکل دینی و اسلامی عربی دارد یعنی ما در جامعه ای به وجود آمده و تولد شده ایم و اجباراً باید حیات به سر ببریم که اکثریت آدمهایش بدون این که از پایه های اساسی معتقدات خویش اطلاعی داشته باشند باور مند همان دین یعنی اسلام هستند؟

ما مردم خوشبایور و مسلمانهایی که نا فهمیده از تمام موضوعات دینی، اسلامی مسلمان هستیم برای این که در یک فامیل مسلمان متولد و بعداً هم زیر تأثیر افسانه ها و افسون (روحانیون) یعنی چلی، ملا، مولوی و کثافت هایی مثل آنها و تمام مقررات و قانونمندی جامعه اسلام زده ما از ما یک مسلمان قصه ای ساخته و می سازد؟؟ یعنی همه چیزی که به ما از نگاه دینی آموخته شده است همه افسانه و چرندیاتی بیش نبوده و ما هم در سیر زمان تبدیل به یک مسلمان افسانه ئی و خیالی شدیم. مردن و زیر خاک نمودن ما هم یک نوع رسم و رواج عربی است که توأم با خواندن قرآن و ... انجام می پذیرد.

اکثریت ما به علاوه ای که خود نمی دانیم چرا دینی و مسلمان هستیم؟ فواید و مضرات آن چیست؟ و چرا باید مسلمان باشیم؟ بدون تفکر و اندیشه در این باره خوشحال و بی خبر زندگی می کنیم و در جریان فعالیت های روز مره همیشه جملاتی عربی که از (روحانیون) راوی ها و یا هم از سخنگویان شان شنیده ایم و در مغز های نا انکشاف یافته ما از صد ها سال به اینطرف جا گرفته است بار ها و بارها نا خود آگاه از زبان ما خارج می شود و اکثر آن جملات تکیه کلام ما نیز شده است مثل: ماشاءالله، بسم الله، به امید خدا، ان شاء الله، خداحافظ، دعای خیر، لعنت بر شیطان، جزاک الله و... با گفتن این عبارات عربی فکر می کنیم مسلمان آگاه و فهمیده بر همه چیز هستیم؟؟ در حالی که ما از همین دین (اسلام) که خود را پیرو آن می دانیم چیزی نمی دانیم؟ حتی پنج وقت نمازی که ادا می کنیم مفهوم آنچه می گوئیم نمی دانیم چه رسد به فهم از دین ها و کتاب های دیگر به اصطلاح (آسمانی) در جوامع بشری؟ اما روی این نا فهمی ها و غرور دینی باهمین انگیزه با افتخار کامل شروع می کنیم به جلوه نمائی ها و طمطراق اسلامی!! و همیشه سعی شده است که مردم دیگر ما را من حیث یک مسلمان با احساس، دانشمند، با فهم، با تقوا بشناسند و ما هم به مرور زمان سعی می داریم بدون در نظر داشت از فهم خود به مسلمان ساختن دیگران با پوشیدن چلتار و یا هم لباس عربی و گفتن چند جمله غیر مفهوم عربی در حدود دسترسی به مردم که بی خبر تر از ما هستند خود را مسلمان تر از همه کس جلو دهیم!؟

فکر می کنیم (چون به ما تلقین شده) بدون از مسلمانان دیگر همه طایفه های روی زمین به دوزخ می روند؟؟ و تا ابد در آتش جهنم می سوزند؟ اما جای تمام مسلمانها بهشت و آماده بودن ۷۲ حور (باکره که بعد از هر همخوابی با یکی از مردان بهشتی فوراً باردیگر باکره می شوند؟) برای پذیرائی هر مسلمان (البته مرد ها) (چون زن مسلمان مخصوصاً زنان افغان همان بد بختی هائی را در بهشت خواهند داشت که در این زندگی روی زمین داشته اند و بدون از خوردن و نوشیدن چیزی دیگری برای شان در اسلام در نظر گرفته نشده است)، باغ های انار شیرین، سایه های سرد کنار

جویبار ها، جوی هائی از شیر و عسل و ... به شمول پسر بچه هائی که هنوز پشت لب سیاه نکرده و بی نهایت زیبا هستند (البته برای مردان؟ اما چندی قبل ملائی گفت: این بچه های جوان برای خانم های مؤمن آفریده شده اند؟ **الله به همه کس توجه دارد**) مهیا است؟؟

از حق نگذریم موجودیت چنین چیز ها !! برای ما مردم افغانستان که درپائین ترین سطح و فقر مطلق زندگی داشته و محروم از همه نعمات دنیائی!! هستیم خیلی خوب و دلپذیر، هوس انگیز و تحریک کننده است، اینجاست که باید فکر کرد که این نعمات خیالی برای اعراب نیمه وحشی که ۱۴۰۰ سال قبل بادیه نشین بوده و در سایه درخت نشستن، آب سرد و داشتن یک زن برای شان از آرزو های اصلی آنها به شمار می رفت جالب تر و قشنگ تر از شرایط امروزی ما مسلمانها بوده است و ناگفته نماند که "محمد" بهترین استفاده ها را در مسلمان ساختن همین گونه مردم و تعدادی از دزدان و چپاولگران وحشی نموده است.

با وجودی که ما در حقیقت داشتن و نداشتن دین به خصوص اسلام نه تنها این که چیزی نمی فهمیم هرگز هم خود را زحمت نداده و دراین باره فکر و مطالعه هم نکرده ایم و نمی کنیم اما یک نوع برتری در خود به تناسب آنچه به نام مسلمان و برتری هایش نسبت به نسل کفار به ما تلقین شده است احساس موجودیت بلند اجتماعی، تفکرانسانی و بحق بودن می کنیم؟ یعنی ما بهترین ها هستیم؟ اما باید متوجه بود که یهودی ها و مسیحی ها و ده ها اقلیت دینی و مذهبی دیگر مثل ما فکر می کنند یعنی خود شان را بر تر از مسلمانها می دانند؟

دوستان!! من خودم در طول عمر خود هیچ مسلمانی را که به نفهمی خود از دین و اسلام اقرار کند، ندیده ام! در حالی که اکثر مسلمانها چه با سواد و یا بیسواد، چوپان بچه یا داکتر اسلامی و... در باره ادیان، پیدایش و چپاول طراحین و دنباله روان ادیان چیزی نمی دانند و اگر هم تبارز به فهم و دانش می کنند یعنی این که می خواهند ادیان و مخصوصاً اسلام را شکل علمی بدهند یا این که منفعت های برای شان تعهد شده یا هم این که واقعاً دور از همه دانش هستند تحریکات و تبلیغات اسلامی چنین است که باورمند های اسلامی بهترین ها و گل سر سبد جامعه هستند و دین شان بر تر از همه ادیان، آخرین دین و کاملترین دین آسمانی است (البته هر کدام ازین موضوعات صحبت های جداگانه ای لازم دارد و من نمی خواهم همه موضوعات را مدغم نموده و مثل یک عالم دین اسلام؟؟ تشویش در بین آگاه و با شعور، خود پسندی، تکبر و غرور مبنی بر افضل بودن اندیشه های اسلامی در بین نا آگاهان و یا هم کم فکران اسلامی ایجاد کنم). همانطوری که دین ما و احکام آن واقعیت ندارد و مثل ادیان دیگر که در طول تاریخ با استفاده از جهالت آدمها به وجود آمده اند و (روحانیون) نمی خواهند ما بدانیم.

پیدایش، سیر، پیشرفت، نفوذ و قربانی های گرفته شده از زمان موجودیت چند خدائی به یک خدای، و پیدایش انواع و اقسام دین و مذهب، جنایات و تباهی که ادیان در طول تاریخ مرتکب شده اند و همیشه از دین و دینداری صحبت و با قصه های افسانه ئی زیاد تر سعی می کنند که بشریت در قهقرای بی دانشی غرق تر شود، این یکی از وظایف اصلی و جدی گردانندگان بازی های دینی می باشد.

احساسات و طرز تفکر اسلامیون عربی و نوکر های زر خرید (**عجمی**) آنها زیر تسلط و همکاری های اقتصادی و سیاسی کشور های امپریالیستی با (تحمیل خرافات دینی) در مسلمانان نا خود آگاه تأثیرات منفی گذاشته و احساس کذائی را در آنها خلق نموده است که ما (مسلمانان) بر تراز همه هستیم!

اگر در طول زندگی رفت باری که ما مسلمانها در جوامع مختلف داریم کسی از پیروان ادیان دیگر با ما بر خورد انسانی داشته و از پیشرفت کفار و عقب ماندگی جهان اسلام صحبت شود، به ما تفهیم شده است که استدلال کنیم و افتخارانه!! بگوئیم: این دنیا مال کافران است و آخرت با تمام نعمت های خیالی که برای ما گفته شده است مثل (بهشت) از

ماست؟!

چرا چنین است ؟ برای این که ما مسلمان های فهمیده و با دانش نیستیم که از روی فهم، عقل و منطق دین و اسلام را قبول کرده باشیم، ما مسلمانهای قصه ئی، خیالی و دنباله رو ملا و ده ها کثافت زیر این عنوان بوده و فقط سعی داریم برتری خود را نسبت به دیگر ادیان، افراد و اشخاص و جوامع بشری که پیرو دیگر ادیان هستند بدون داشتن دلیل معقول و انسانی و همچنان به هموطنان بی خبر از همه جا فقط با زور گوئی ثابت سازیم، چون خود ما در باره آن چیزی از اسلام می گوئیم هیچ چیزی نمی دانیم، با توجه به این که آنچه در نماز خوانده می شود اینها چیزی نمی دانند و نمی فهمند چه می گویند؟ چون همه عربی است و به جز (راویان و مفسدان استفاده جو) که کمی عربی یاد دارند و بالاترین قشر مفت خور جامعه را می سازند دیگر مسلمانهای عادی که حتی فارسی نوشتن و خواندن را هم بلد نیستند و از فضیلت فهم، دانش، تفکر، تعقل و اندیشیدن در باره پدیده های دینی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و انقلابی توسط همین نوکران استعمار و تاجران دینی (روحانیون) محروم هستند و همیشه این مذهبی ها (روحانیون پیرو تمام ادیان) سعی داشته اند تا مردم را از علم و دانش دور نگهدارند.

حساسیت موضوع هم در همین نقطه است که تخم بد زاد روحانیت در مجموع رشد می کند. دولت ها و استعمار جهانی از همین نگاه استفاده های شایانی نموده و می نمایند و در همین ساحه از صد ها سال به اینطرف موفق هم بوده اند

نقش این روحانیون را در تمام ادیان که برای احمق ساختن مردم رشد نموده اند در زمان یکی از سردمداران امپریالیستی (بوش) رئیس جمهور امریکا می بینیم که گفت : خدا به من امر کرد (یعنی وحی فرستاد) که به عراق حمله کنم!!؟؟ می توان واضح مشاهده نمود، در همان زمان خبر نگار بی بی سی با رهبر مسیحی های امریکا مصاحبه نموده (اسمش به یادم نیست) پرسید: آیا چنین چیزی ممکن است؟؟؟ (روحانی) گفت : بلی! خداوند با بندگانش هر زمان که خواست هم کلام می شود !!؟؟ (از این که انگلیسی گفتن و شنیدن من خوب نیست ازین بابت با کمال معذرت از دوستم کمک گرفتم و او هم همین بر داشت و مفهوم را تأیید نمود).

به هر صورت! برویم سراغ آنچه مسلمانان فکر می کنند و اساس باورمندی های خیالی مسلمان را تشکیل می دهد و یا هم ساده تر! چرا مسلمان ساخته شده ایم؟؟

تسلط فرهنگ پوسیده و وحشی عربی و زیر تأثیر تلاش های مذبوحانه و غلامانه راویان عجمی بر ما چنین تلقین شده است که باید ، حتما باور مند به یک سلسله افسانه ها، تخیلات و موضوعات غیر علمی باشیم ورنه به عقوبت الهی گرفتار و در آتش دوزخ می سوزیم؟! این مردم که نا خود آگاه و قبل از قبل مسلمان ساخته شده اند؟؟ هم خیال پرداز و خوشباور فکر می کنند(عربهای کثیف و راویان شان) راست می گویند، بدون این که مغز خود را به کار انداخته و در باره این همه باور مندی به خرافات عربی اندکی تفکر نمایند خود را مدیون رهنمائی های نوکر ها و رقاص های شیوخ عربی (روحانیون) می دانند که چنین لطفی را غرض رهنمائی آنها و نجات شان از آتش دوزخ روا داشته اند؟؟ اینها (روحانیون) چنان تبلیغ می دارند که تجاوز اعراب بر خاک، ناموس، شرف و عزت ما مقدس؟؟ بوده و از این مهاجمین وحشی عربی باید قدر دانی نموده به قبر های شان رفته صدقه و نذر بدهیم؟ چون همین ها بودند که با تجاوز بر خواهران، زنان و مادران ما راه رفتن به بهشت را به ما نشان دادند؟

باید یاد آور شد که قبل از تجاوز وحشیانه اسلام اکثریت مردم ما اگر دینی یا غیر آن بوده اند به شرافت ، عزت و ناموس خود اهمیت و ارزش قایل بودند و از آنها تا سرحد مرگ دفاع می کردند، تنها و تنها همین اعراب و مدافعین بیشرف آنها بود که با کشتار صد ها هزار هموطن شریف این مرز و بوم صد ها سال بر این ملت تسلط یافتند، آنها به

کمک و همکاری تعداد شرفباخته و بی ناموسان عجمی به نام روحانیون ، ملا و مولوی و... این احساس را در حدود خود (روحانیت) کشتند؟ اما مردم هنوز هم که صد ها سال ازین تجاوزات اعراب و مدافعین بی ناموس این سر زمین از منافع اعراب متجاوز می گذرد هنوز هم شرف و عزت انسانی شان را حفظ نموده اند، فقط فریفته و سوسه های این جانوران گردیده اند که آنها ناشی از خوشبلاوری های شان است.

این روحانیون شرفباخته و بی عزت فقط می خواهند و خواسته اند با بحق دانستن تجاوز اعراب بدوی و تطبیق کلچر و عنعنات شان بر ما راه غلامی و نوکری به این چلتار بسته های بی ناموس را هموار، مقدس (زیر نام اسلام) قانونی سازند و ساختند؟

این همه نمی تواند از دو حالت خارج باشد : یا این که ما واقعاً جاهل و نه فهم هستیم؟ و مثل حیوانات بی زبان قبول کننده بوده و باشیم؟؟ یا این که گوش های ما شنوا نیست و مغز ما تر کیبی است از افسانه سرائی و ایده های متعفن عربی!؟

در سابق برای مردم مثل ما یعنی (گمراه؟) پیامبر می آمد (نظر به فرموده روحانیون) و اکنون که پیامبر نیست و موجودیت پیامبران نظر به فرموده محمد بند شده و دیگر پیامبری نمی آید پس باید هر سخنگوی الله و یا هم راویان عجمی شیخ های عربی مخصوصاً آنهایی که عربی می دانند، عبا و قبای عربی دارند، حدود جغرافیائی عربستان را بیشتر و بهتر از سر زمین خود ما می دانند به مهاجمین عربی بر ناموس و شرف پدران ما شگل تقدس می دهند باید پیروی نمود و گوش داد.

در هر دو صورت لعنت باد بر شیخ ها، نوکران و رقاصه های سیاسی آنها!!
برویم روی اصل موضوع !! که ما مسلمان هستیم مشروط بر این که: بر بنا های اسلامی: کلمه ، نماز، روزه، زکات و حج ایمان داشته و همچنان به الله، کتابهای آسمانی، ملایک، پیامبران شک نداشته باشیم، و باید به الله و رسل و آنانی که اجراء کننده اوامر الله استند یعنی امر خدا را اجراء میکنند(مثل شاهان و حاکمان محلات) اطاعت داشته باشیم!؟
این که او الامر الله چه کسانی می توانند باشند؟؟ مفهوم ندارد، هر کی و از هر کجا باشد، خاین و مرتجع، سود خور و پست فطرت هم باشد، منحیث نماینده خدا در صورت نشستن بر مسند قدرت از هر راهی که به قدرت رسیده باشد باید از اوامرش اطاعت کرد؟؟ مثلاً: ظاهر شاه ، داوود شاه، تره کی ، امین، ببرک، نجیب، صبغت الله مجددی، خواجه نین ربانی، ملا عمر، کرزی و خم چشم عجیب و غریب دنیای ما اشرف غنی و بی غیرت عبدالله همه اینها نظر به روایات دینی او الامر می باشند که از آنها باید اطاعت و اوامر شان را قابل تطبیق دانست و درین مورد باید سهم خود را من حیث یک مسلمان دیندار با سر کوب هر چه پدیده انقلابی و مردمی است زیر نام کفار، زندیقه، بغاوت کننده ها و نا شکران نعمت های الهی و ... ادا و برای نوکران شیخ های عربی ثابت ساخت که ما هم نو کر منش و خر صفت هستیم.

در طول تاریخ اسلام (با مطالعه تاریخ اسلام) ما به پادشاهان و حکمروایان شرف باخته و ظالم دوره اموی ها، عباسی ها و ... بر می خوریم که جنایاتی بس مدهشی را برای نگهداشت قدرت خود و سرکوب مردم بی پناه و مظلوم زیر نام همین (اسلام مقدس) انجام داده و بر بقای خود افزوده اند.

با در نظر داشت تمام این موضوعات برویم ببینیم اساسات و بنیاد عقاید ما را که مسلمان باید باشیم چه چیز هائی تشکیل می دهد.

از مرده پرستی گرفته تا خصیه مالی اعراب ؟ خاموش بودن و صبر کردن در مقابل تمام حوادث طبیعی، اجتماعی، سیاسی و اخلاقی و توکل به خدا نمودن؟ شاهد بودن به هر نوع تجاوز اعراب و یا هم نوکر های شان، بی تفاوت بودن در مقابل هر نوع تحول سیاسی، اجتماعی و حقوقی و گوشه نشستن و سوره یاسین را خواندن! و در همه اشکال

دعاگوی دولت بر سر اقتدار، شکر گفتن به (نعمت های الله که از طریق استعمار و نوکر های شان به ما لطف!!) می شود، باید باشیم.

باور مندی به عرش معلی؟ کرسی؟ قلم؟ لوح محفوظ؟ ملایکه؟ ؟ اندازه بالهای شان ، وظایف ملایکه ، جادو و جادوگری، موجودیت شیطان، از خاک پیدا شدن آدم، راندن او از بهشت، و سیر زمانی (سال) از پیدایش آدم تا امروز، همواربودن سطح زمین، طلوع و غروب خورشید، جبر و اختیار، زندگی پس از مرگ؟ عذاب قبر؟ دنیای برزخ؟ صحرای محشر؟ پل صراط؟ جنت؟ دوزخ؟ رفتن خری به آسمان، حوریان، غلمان، ملایک مقرب مثل ، جبریل، اسرافیل، عزرایل، میکائیل، عذاب قبر، نکیر و منکر، هموار بودن زمین و مساحت آن ، دجال و خرش ، یاجوج و ماجوج، پیامبری سکندر، حزقیال، دعای روحانیون برای نجات ما از مصایب و بد بختی های جامعه، مرده پرستی و بر سر قبر قاتلین آباء و اجداد خود رفتن و تقاضای کمک نمودن، در مقابل تمام مصایب و ضرر های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و حقوقی صبرکردن و از الله و نمایندگانش در روی زمین کمک خواستن، اعتقاد به موجودیت هفت آسمان، زنده بودن تعدادی از پیامبران و زندگی شان در آسمانها، زدن سنگ ها از طرف الله توسط ملایک بر شیاطین و اجنه، معتقد بودن به موجودیت جنس غیر ملموس یعنی جن؟؟؟ ، و ... صد ها خرافه دیگر صد در صد داشته باشیم؟؟

فکر می کنم اگر ما موجودات هزار سال قبل می بودیم قبول این همه خرافات من حیث پایه های اعتقادی ما مشکلی نبود اما! در شرایط امروزی و پیشرفت علم و دانش باور مندی به چنین موضوعات حماقتی بیش نخواهد بود ، این همه موضوعات از طرف روحانیون در جمله باور مندی های یک مسلمان نفهم و بی دانش تهداب گذاشته شده است. این که باورمند به این موضوعات باشیم حد اقل به ما اجازه داده شود تاپایه های اساسی و بنیادی عقاید اسلامی خود را مورد تجزیه و باز نگری قرار دهیم تا بدانیم چرا ما چنین هستیم و چرا باشیم؟؟ چون خود ما یعنی هر یک ما مسؤول عملکرد های خود می باشیم، یعنی در مقابل هر عمل خوب و یا بد خود جوابده هستیم نه ملا و غیره کثافات دینی؟؟

به ارتباط این موضوعات از غلامان و نوکر های شیخک ها؟ باید پرسید که اگر شما شرف د ارید، عزت دارید و ناموسدار هستید، چرا در باره چگونگی اسلام، تجاوزات شان، بی ناموسی های آنها، قتل و کشتار بیرحمانه مردم بی پناه ما توسط لشکر گشایان اعراب بدوی که شما آنها را بیشرمانه (فاتح) متجاوز به ناموس خود می دانید همچنان در باره صد ها کتاب و هزاران نوشته که به ضد قرآن مستدل نوشته شده است چیزی نمی نویسید؟ اگر منافع اجتماعی و سیاسی شما ایجاب نمی کند که در مقابل (ارباب) خود گستاخی کنید حد اقل شرافت این را دارید که مخفیانه به مردم خوشباور ما بفهمانید و یا هم به نام مستعار بنویسید که شما شرفباخته، فریب خورده و نوکر اعراب هستید و ماهیت دین و مخصوصاً اسلام را تشریح دارید ؟

ادامه دارد